

انتخابات ریاست جمهوری کدامیک را تقویت خواهد کرد؟

## پایان کم هزینه و یا پر هزینه سیاست نظامی حاکم در ج. اسلامی

هیچ رویداد و تصمیمی در جمهوری اسلامی، تا خاتمه کم هزینه و یا پر هزینه سیاست نظامی حاکم، نمی‌تواند متأثر از آن نباشد. خاتمه این سیاست کم هزینه خواهد بود، در صورتیکه:

۱- بحث‌ها و کشاکش‌های جناحی در درون و پیرامون حاکمیت بتواند با بسیج قوا در همین دایره، مانع جدی بر سر راه ادامه آن ایجاد کند،

۲- از هر فرصت ملی و سراسری - از جمله انتخابات- بتوان علیه این سیاست نیروی مردمی بسیج کرد و با سنگین‌ترین فشارها مانع تداوم این سیاست و عواقب فاجعه بار آن شد،

۳- اعتراضات و حتی شورش‌های مردمی، ناشی از بحران همه جانبه اقتصادی و سیاسی و فرهنگی جاری که قیام و انقلاب نیست، اما سومین امکان است که می‌تواند روی هر دو احتمال ۱ و ۲ تأثیرات تعیین کننده‌ای باقی بگذارد.

این عام‌ترین و کلی‌ترین تفسیری است که از اوضاع کنونی کشور می‌توان داشت. دولت کنونی و تصمیمات آن، قشربندی میان فرماندهان سپاه حامی علنی و مخالف پنهان این دولت و سیاست‌های آن، دسته بندی روحانیون مخالف و موافق این سیاست، دنباله روی رهبر و دولت کنونی از برنامه‌های لیبرالیسم اقتصادی همراه با عوامفریبی‌ها و تحت پوشش عناوین مردم فریبی مانند "سهام عدالت"، "نقدی کردن و در واقع حذف رایانه" و... جستجوی فرصت برای زد و بندهای بزرگ با امریکا برای تضمین امنیت جمهوری اسلامی به جای امنیت ملی، ادامه و تشدید بازهم بیشتر فضای بسته سیاسی در کشور، قومیت ستیزی با توسل به سرکوب نظامی- امنیتی و... همگی اجزایی هستند که درون این تصویر عام و کلی جای می‌گیرند.

آن سه امکان ذکر شده در بالا، چه ما به آن‌ها توجه کافی داشته باشیم و در محاسبات خود بگنجانیم و چه خود را به نادیدن زده و از کنار آنها بگذریم، یعنی مستقل از اراده این شخصیت و یا آن شخصیت، این حزب و یا آن سازمان در حال حاضر شانه به شانه احتمال خاتمه پر هزینه سیاست نظامی حاکم پیش می‌رود. تمام هنر سیاسی آنست که بتوان با بهره گیری از سه احتمال بالا، خاتمه کم هزینه این سیاست را ممکن ساخت و مانع آن پایان پر هزینه‌ای شد که هیچ نیروی ملی و میهن دوستی خواهان آن نیست. به همین دلیل اگر روی این سه حرکت متمرکز شویم، می‌توانیم تغییر کم هزینه سیاست حاکم را تقویت کرده و خود را آماده بهره گیری از یک یک و یا مجموعه آن سه حالتی کنیم که در بالا به آنها اشاره شد. و در صورت غفلت، حوادث ما را خواهند گذاشت و فرصت‌ها از دست خواهند رفت.

از نظر ما مرز واقع بینی و چپ روی، تخیل پروری و واقعیت بینی در باره شرایط کنونی کشور در اینجاست و آن بحث‌هایی که پیرامون انتخابات آینده ریاست جمهوری رو به اوج است، اگر بر این محور و احتمالات ۱ تا ۳ متمرکز شود، نه تنها می‌تواند به انتخابات مورد بحث عمق و جنبه تحولی مهم ببخشد، بلکه گام بزرگی شود در جهت خاتمه سیاست نظامی و جنگی بعنوان آن "کل" که اجزاء آن، از جمله همانهایی است که در بالا به آنها اشاره کردیم.

این که ایران تا حد امکان تولید سلاح اتمی در تکنولوژی اتمی پیش برود، این که نیروی نظامی قدرتمند داشته باشد، این که صنایع و تولید ملی سلاح داشته باشد، این که باید از منافع ملی کشور دفاع کرد، این که مقابل هر تجاوزی باید ایستاد و... هیچ کدام نباید الزاماً مبتنی بر

سیاست جنگی و دولتی نظامی باشد. تمام این برنامه‌ها و دستاوردها را می‌توان داشت و در جهت آن گام برداشت و تداوم آن را به حمایت ملی پیوند زد. آنچه چشم‌اسفندیار تمام این برنامه‌ها و دستاوردهاست، اتفاقاً سیاست جنگی و نظامی حاکم است. سیاستی که بحران اقتصادی، تزلزل ارکان وحدت ملی، فساد و رشوه و نابودی تولید داخلی، وابستگی به همان‌ها که علیه آنها شعار می‌دهند، تحکیم پایه‌های سرمایه‌داری تجاری-نظامی و تبدیل شدن به پاکستان و یا ترکیه‌ای دیگر را در منطقه به همراه خواهد داشت و یا تکه پاره شدن ایران و برباد رفتن بخش اعظم ۳۰ سال فروش نفت کشور.

انتخابات ریاست جمهوری آینده را اگر بر مبنای آن سه امکان و حالت ذکر شده در بالا استوار سازیم، گام بزرگی برای خاتمه سیاست جنگی و حاکمیت نظامی با هزینه کم برداشته‌ایم. چه از سوی آنها که در حاشیه و بیرون از حاکمیت‌اند و چه آنها که بنوعی در حاکمیت‌اند و می‌خواهند به صحنه انتخابات بیایند.

راه توده ۱۹۴ ۱۵,۰۹,۲۰۰۸